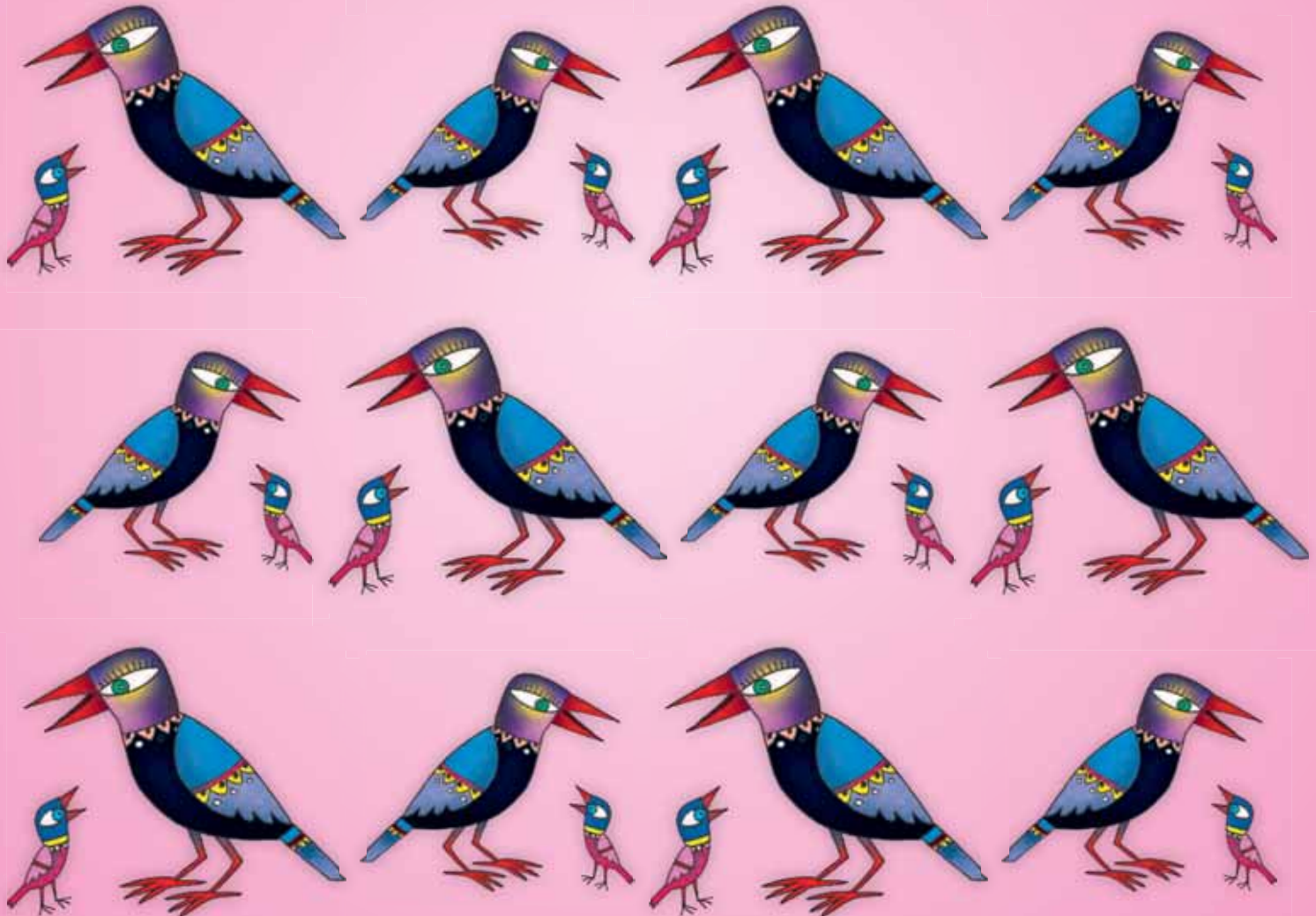


خردسالان

دوست



سال دهم
شماره ۴۶۳ ، شنبه
۳ دی ماه ۱۳۹۰
۵۰۰ تومان



دوست

خردسالان

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)

پدر و مادر عزیز، مربی گرامی

این مجموعه ویژه‌ی خردسالان طراحی شده است. علاوه بر جنبه‌های آموزشی، تفریحی و سرگرمی، افزایش مهارت‌های عملی خردسالان از اهداف اصلی آن است. بریدن، جدا کردن، رنگ آمیزی، حتی خط خطی کردن و هر گونه فعالیت پیش‌بینی نشده از طرف کودک، می‌تواند به ایجاد ارتباط، اعتماد به نفس، شادی و رشد خلاقیت او کمک کند. او را در شیوه استفاده از مجله آزاد بگذاریم. تنها به عنوان پیشنهاد و راهنمایی در بعضی از صفحات مجله توضیحات کوتاهی درج شده است.

- مدیرمسئول: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
- سردبیران: افشین اعلاء، مرجان کشاورزی آزاد
- تصویرگر: محمدحسین صلواتیان
- گرافیک و صفحه‌آرایی: مجتبی صلواتیان
- لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر عروج
- امور مشترکین: محمدرضا ملازاده
- نشانی: تهران-خیابان انقلاب، چهار راه کالج، شماره ۸۶، نشر عروج
- تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷ و ۶۶۷۰۶۸۳۳ نمابر: ۶۶۷۱۲۲۱۱

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

۳ بامن بیا ...



۴ قورباغه و ماه



۷ نقاشی



۸ فرشته‌ها



۱۰ خدا



۱۲ شامپوی شگفت‌انگیز



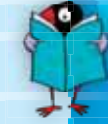
۱۶ بازی



۱۷ جدول



۱۸ کلک



۲۰ خانه‌ی نو



۲۲ قصه‌ی حیوانات



۲۴ کاردستی



۲۵ فرم اشتراک



۲۷ ترانه‌ها



با من بیا

دوست من سلام.

من مرغ مینا هستم. یک پرنده‌ی کوچک و زیبا که می‌توانم هر صدایی را تقلید کنم. من معنی چیزهایی را که می‌گویم، نمی‌دانم. فقط صدای آن را در می‌آورم. به این کار من تقلید صدا می‌گویند. غذای ما دانه، حشرات کوچک و میوه است. بیش‌تر وقت‌ها روی زمین به دنبال غذا می‌گردیم، اما لانه ما روی درخت است. اگر کسی به لانه‌ی ما نزدیک شود، با صداهای بلند و ترسناک، او را می‌ترسانیم و از لانه‌مان دور کنیم! حالا که مرا شناختی و با هم دوست شدیم، مدادرنگی‌هایت را بردار و برای ورق زدن مجله، با من بیا

...





قورباغه و ماه

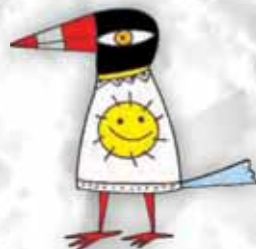
♦ محمد رضا شمس

شب بود، قورباغه خسته بود. می‌خواست بخوابد اما نور ماه توی بر که افتاده بود و نمی‌گذاشت او بخوابد. قورباغه سرش را بالا گرفت و داد زد: «آهای... ماه کمی آن طرف‌تر برو! نورت نمی‌گذارد من بخوابم!» ماه صدای قورباغه را نشنید. قورباغه دوباره داد زد: «ماه! ماه! با تو هستم کمی آن ورتر برو!»

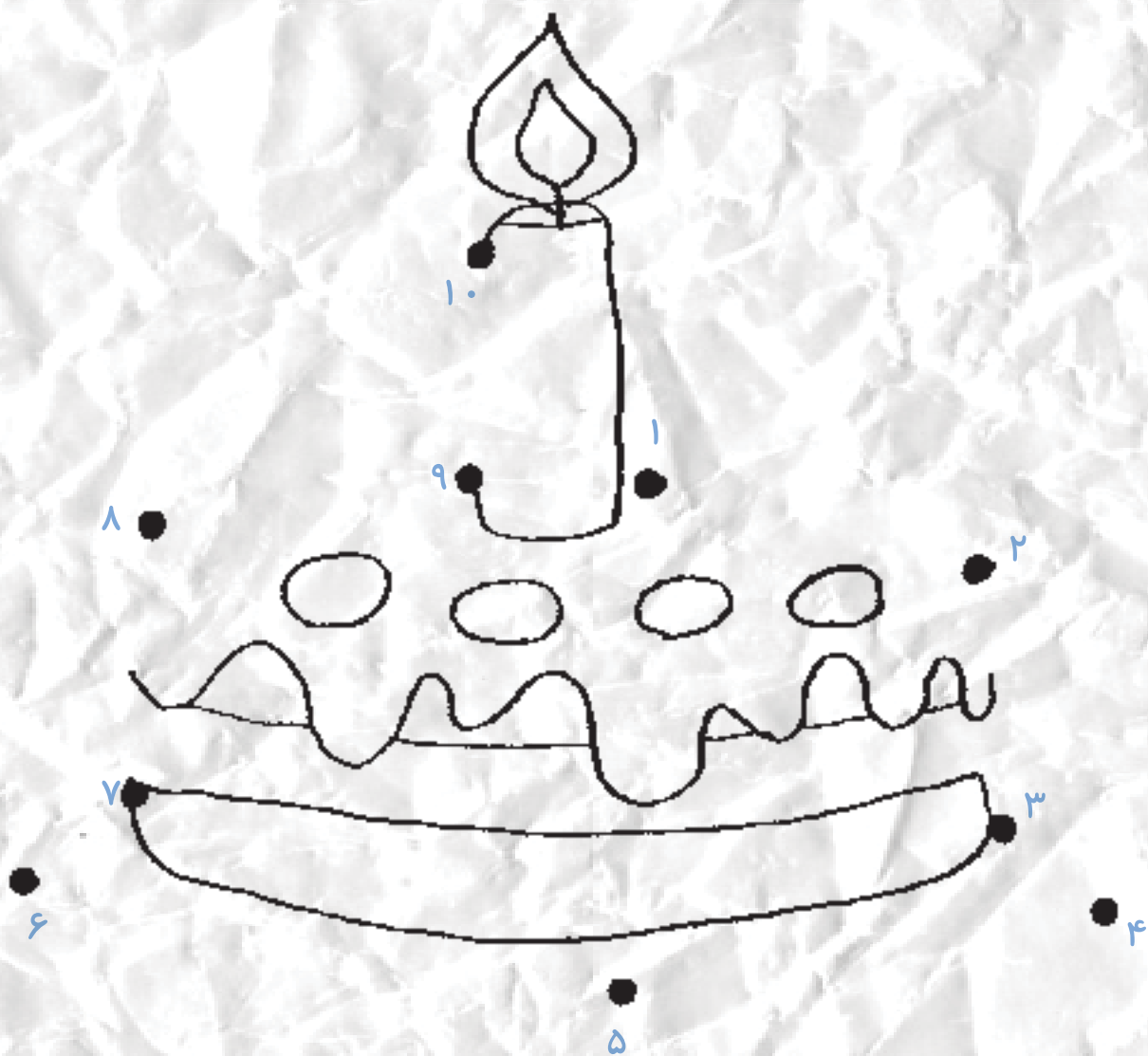
ماه باز هم صدایش را نشنید. قورباغه عصبانی شد. زبان درازش را پرت کرد طرف ماه و او را پایین کشید و قورتش داد. ماه توی گلوی قورباغه گیر کرد. شب بدون ماه شد. پایین آمد و به قورباغه گفت: «ماه را بده!» قورباغه خواست بگوید: کدام ماه! من ماهی ندیدم، که یک دفعه، گلویش قورقور باد شد! همه‌جا روشن شد. شب ماه را دید. از قورباغه پرسید: «چرا این کار را کردی؟» قورباغه گفت: «چی کار کنم؟ هرچه به او گفتم برو آن‌ورتر، نرفت!» شب گفت: «برای این که گوش‌هایش سنگین است و خوب نمی‌شنود.» شب، ماه را از قورباغه گرفت و در گوشش گفت: «کمی برو آن‌ورتر، نورت نمی‌گذارد قورباغه بخوابد!»

ماه گفت: «باشد!» و پرید توی آب برکه و خودش
را شست. بعد دست شب را گرفت و با هم رفتند
توی آسمان.
قورباغه هم روی برگ گل نیلوفر دراز کشید و
خوابید.





دایره‌های سیاه ۱ تا ۱۰ را به هم وصل کن تا شکل کامل شود. آن را رنگ کن.





فرشته ما



هر سال وقتی کریسمس می‌شود، من و مادر بزرگ به خانه‌ی دوست او می‌رویم و تولد حضرت عیسی (ع) را به دوست مادر بزرگ تبریک می‌گوییم. مادر بزرگ می‌گوید: «حضرت عیسی (ع) یکی از پیامبران خدا هستند.

امسال ما حسین را با خودمان بردیم. حسین هیچ وقت درخت کریسمس ندیده بود. اما من دیده بودم. وقتی حسین درخت را با توپ‌های رنگارنگ و چراغ‌های روشن دید، می‌خواست به آن دست بزند. اما من دستش را گرفتم و گفتم: «نباید به درخت دست بزنی.» بعد آهسته توی گوشش گفتم: «شلوغ نکن! الان دوست مادر بزرگ برای ما کیک خوش مزه، می‌آورد!» حسین ساکت شد و شلوغ نکرد. او هم مثل من کیک خیلی دوست دارد. بعد دوست مادر بزرگ برای ما کیک آورد. او هر سال برای تولد حضرت عیسی (ع) خودش کیک درست می‌کند.

وقتی می‌خواستیم به خانه برگردیم، آن خانم دو تا توپ طلایی از روی درخت برداشت و به من و حسین داد. او خیلی خیلی مهربان است و من و حسین را دوست دارد.

خدا در آسمان‌هاست
خدا پایین و بالاست
میان قلب گل‌ها
درون سینه‌ی ماست
خدا سبزی جنگل
خدا آبی دریاست
خدا لبخند مادر
و گاهی اخم باباست
خدا مثل اناری
به روی شاخه پیداست
خدا نقاشی برگ
خدا این شعر زیباست

خدا

♦ محمد کاظم مزینانی





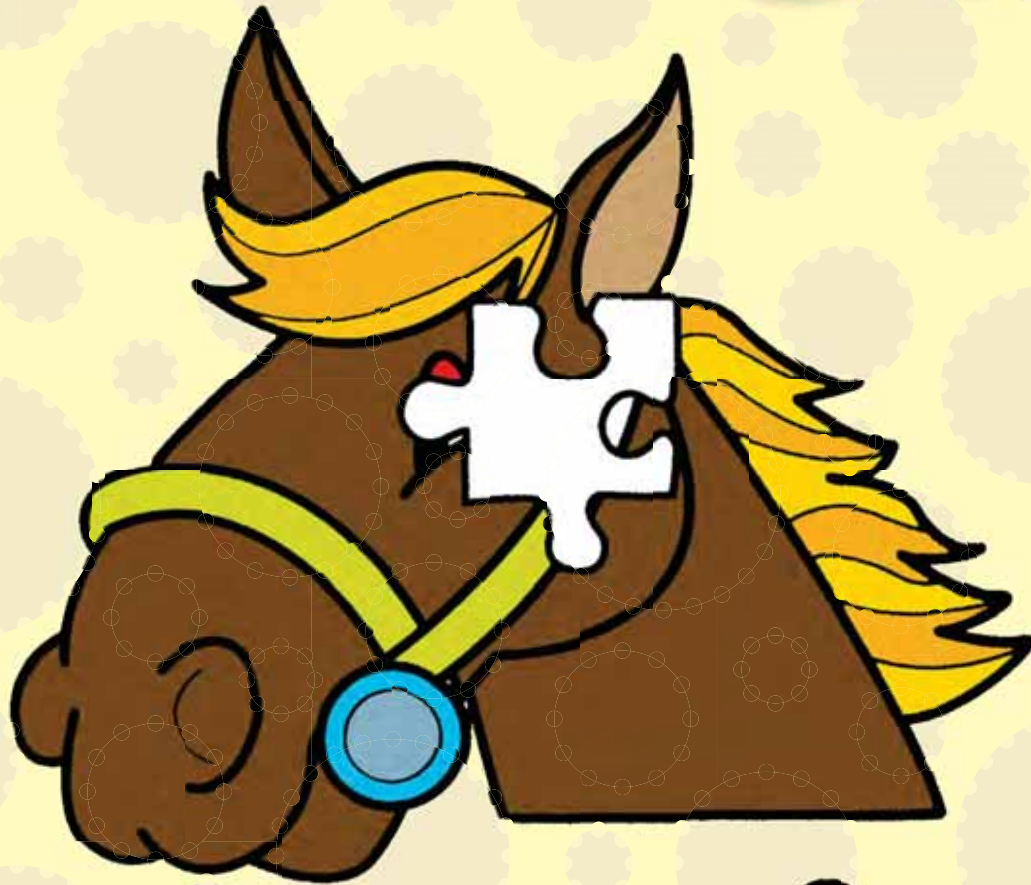


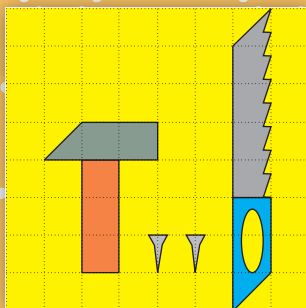




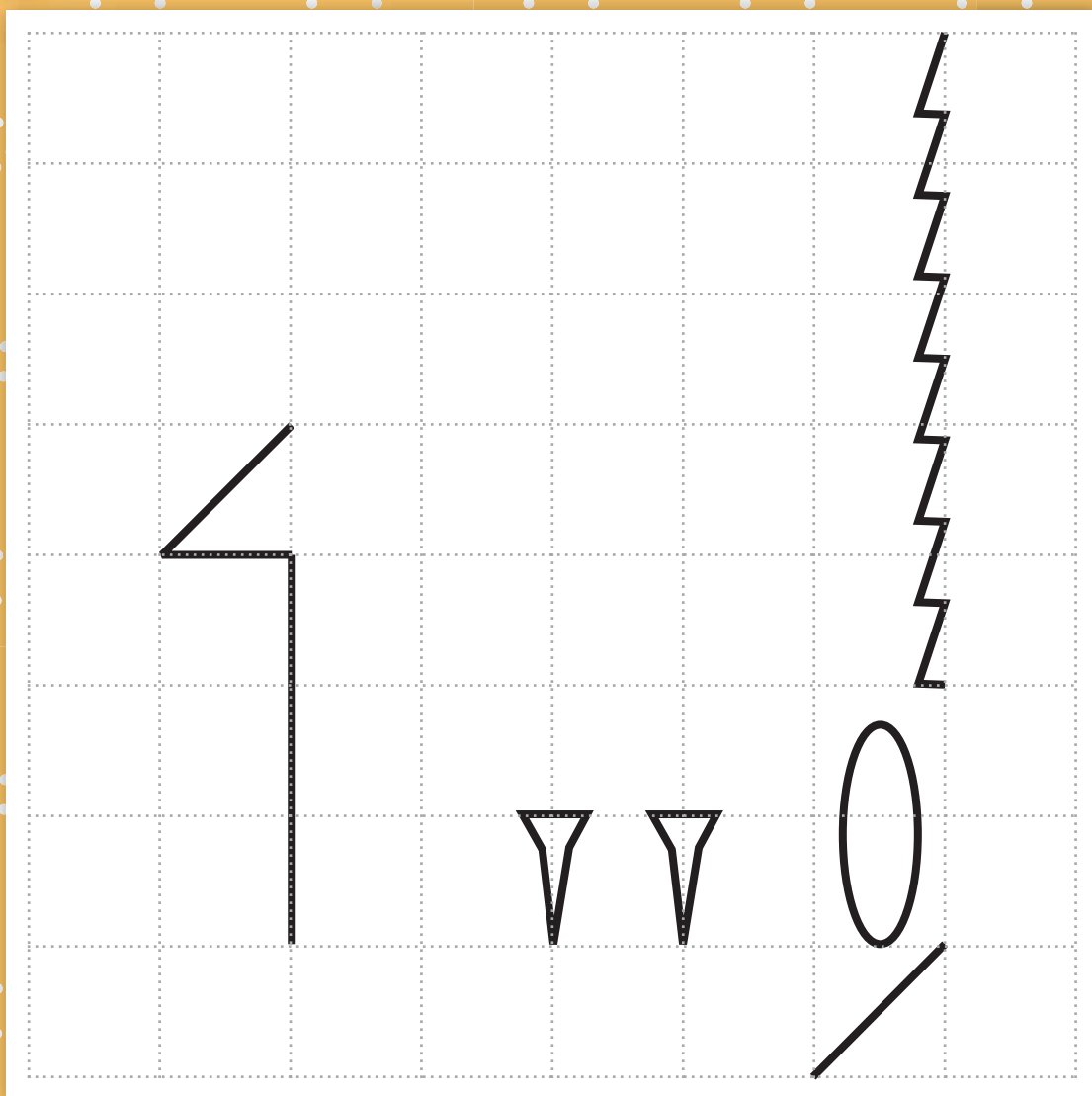


کدام قطعه تصویر را کامل می کند؟





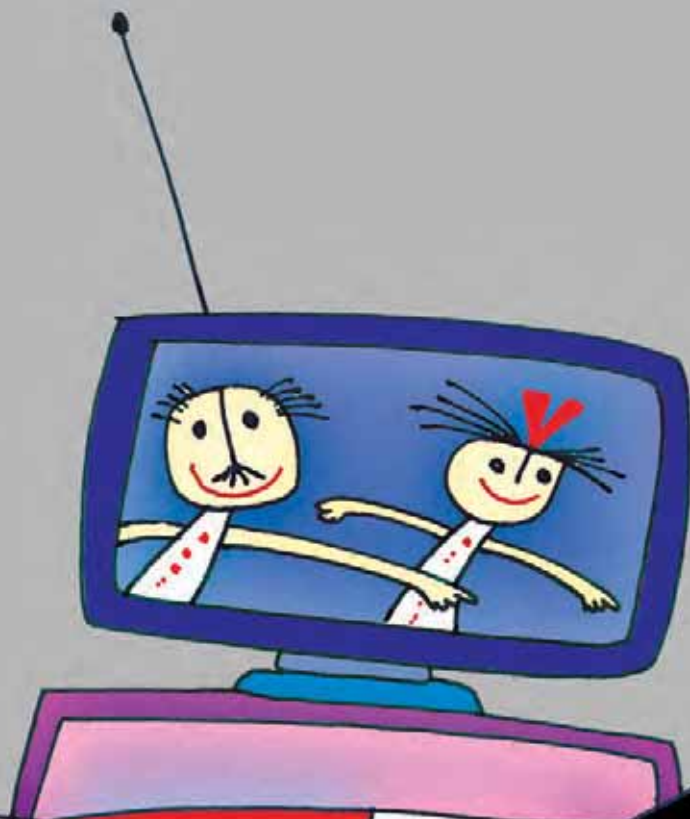
جدول را کامل و رنگ کن.





کالک

من و بابا تلویزیون تماشا می کردیم که
خوابمان برد. مامان روی ما پتو کشید. آن وقت
من و بابا یواشکی زیر پتو خندیدیم!
ما نخواهیده بودیم! فقط به مامان کالک
زدیم!





موش



پرنده



فیل

خانه‌ی نو

یکی بود، یکی نبود. غیر از خدا، هیچ کس نبود.

مشغول خوردن برگ‌های یک درخت بود. درختی که  روی آن لانه داشت.

خرطوم  به شاخه‌ای گیر کرد و شاخه شکست. لانه‌ی  افتاد پایین. .

بال بال زد و گفت: «ببین! لانه‌ام را خراب کردی!»  گفت: «غصه نخور! خودم لانه‌ات

را سر جایش می‌گذارم.»  گفت: «چه طوری؟ شاخه‌ای که لانه‌ام رو آن بود شکسته

است!»  خواست جلوتر برود و شاخه‌ی شکسته را نگاه کند که  فریاد زد: «وای!

پایت را از روی خانه‌ام بردار!»  زیر پایش را نگاه کرد. خانه‌ی  زیر پای .

خراب شده بود.  گفت: «چه  خوش شانس‌ی! اگر  توی خانه‌اش بود

که الان له شده بود!»  به  گفت: «غصه نخور! الان خانه‌ات را درست می‌کنم!»

 گفت: «نه بهتر است هیچ کاری نکنی و گرنه باز هم یک‌جا را خراب می‌کنی!» 

گفت: «فکر خوبی دارم! تو و  با من بیاید تا برایتان خانه‌ای نو پیدا کنم.» 

لانه‌ی  را با خرطومش برداشت و آن را روی سرش گذاشت.  و 

هم توی لانه نشستند و همراه  راه افتادند.  و ، سوار ، همه‌ی

جنگل را گشتند. خیلی هم به آن‌ها خوش گذشت. تا این که  درختی پیدا کرد

پر از شاخ و برگ. بعد لانه‌ی  را بین شاخه‌های درخت گذاشت.  هم دوید

و رفت توی سوراخی که زیر درخت بود.  و  به  گفتند: «کاش تو

هم پیش ما بمانی!»  کمی فکر کرد و گفت: «این درخت پر از برگ‌های سبز و

خوش‌مزه است! می‌مانم!»  و  گفتند: «وای! مواظب لانه‌هایمان باش!» 

خندید و هر سه با هم همسایه شدند.

قصه حیوانات



۲

گل هر روز ضعیف و ضعیفتر می‌شد.



۱

یک عالمه شته، روی یک گل زندگی می‌کردند.



۴

او به سراغ شته‌ها رفت و گفت: «از این‌جا بروید تا
هممی شما را نخورم!»



۳

یک روز کفشدوزک تصمیم گرفت که گل را نجات
دهد.

۲۲



و همه از روی گل رفتند.



شته‌ها از ترس، بچه‌هایشان را جمع کردند و راه افتادند.

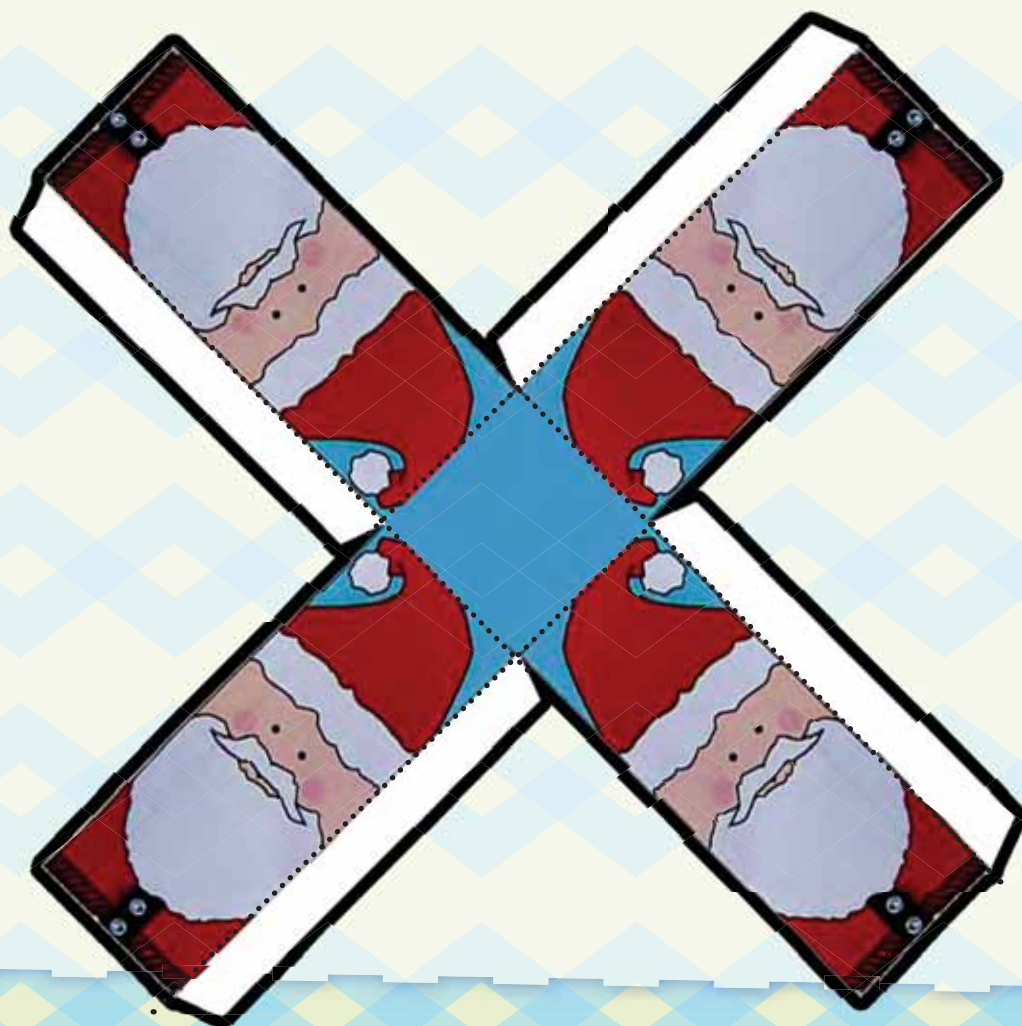


با رفتن شته‌ها، گل دوباره جان گرفت و رویش پر از کفشدوزک‌های زیباشد.

کار دستی



شکل را قیچی کن.
قسمت‌های نقطه چین را تا بزن.
به قسمت‌های سفید چسب مایع بزن و به طرف دیگر بچسبان.
حالا تو یک جعبه هدیه زیبا داری!



دوست

خردسالان

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۹۰

هر ماه چهار شماره، هر شماره ۵۰۰۰ ریال

هزینه پست عادی جهت مشترکین شهرستان:

هر نسخه ۲۰۰۰ ریال

هزینه پست عادی جهت مشترکین تهران:

هر نسخه ۱۰۰۰ ریال

هزینه پست سفارشی جهت مشترکین تهران و شهرستان:

هر نسخه ۸۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را به شماره حساب ۰۱۰۲۰۷۰۵۳۸۰۰۲ سپهر

بانک صادرات شعبه انقلاب کد ۷۶ به نام مؤسسه عروج واریز کنید.

(قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در سراسر کشور)

فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، چهارراه کالج،

فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) شماره ۸۸۶ امور مشترکین مجله دوست خردسالان ارسال فرمایید.

نظرات و پیشنهادات خود را در ارتباط با اشتراک و نحوه‌ی ارسال مجلات با شماره تلخ ۰۶۶۷۰۶۸۳۳ (۰۲۱) در میان بگذارید.

فرم اشتراک



نام

نام خانوادگی:

تاریخ تولد: ۱۳ / / تحصیلات

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

شروع اشتراک از شماره: تا شماره:

امضاء



نشانی فرستنده:



جای تمپر

نشانی گیرنده:

تهران - خیابان انقلاب اسلامی، چهار راه کالج، فروشگاه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره)
شماره ۸۸۶ امور مشترکان مجله هفتگی دوست خردسالان



تراشه ها

مصطفی رحماندوست



لوله لوله دارم، بیا
هله هوله دارم، بیا
این لوله چیه؟ لواشک
اون یکی یه لوله ترشک
پولتو بیار و بخر
هله هوله ها موبیر
ترشک و پشمک و آلوچه
تو مریض می شی، به من چه!



